



صدام حسین در دقایق پایانی عمر خود چه گفت؟

ایران هر اسی دیکتاتور تا آخرین لحظه عمر

# شهرنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



مهاجرت ورزشکار مطرح ایران به اسپانیا

سارا خادم‌الشریعه بازنمی گردد

شنبه ۱۰ دی ۱۴۰۱، ۷ جمادی الثانی ۱۴۴۴، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۲

سال هفتم - شماره ۲۰۹۴ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

پس از مراجع؛ چهره‌ها و تشکل‌های روحانی نیز منتقد وضعیت کشور شدند

## اعتراض یکپارچه ائمه جمعه به دولت

دولت برای جایگزینی مدیران به تکاپو افتاد

### تغییرات در مدیریت اجرایی کشور

کدام «پلیکشن»‌های ایرانی تا آخر ادامه می‌دهند؟

### پیام‌رسان‌های داخلی در مرحله حذفی

نگاهی به عملکرد مدیران بانک مرکزی در سه دهه اخیر

### مسئولانی برای حفظ منزلت دلار

آنکارا و دمشق، نتایج نشست مسکورا مثبت ارزیابی کردند

### سوریه و ترکیه در کوچه آشتی کنان

### ریاض - تل‌آویو؛ چراغ خاموش در مسیر وصال

داستان ما و کووید از اول شروع می‌شود؟

# ایران، کرونا نقطه سر خط

مورد ابتلا به زیر سوبه‌های جدید اومیکرون در کشور خبر داد. پدram پاک‌آیین به رسانه‌ها گفت: «روز گذشته، سه مورد ابتلا به زیر سوبه‌های جدید اومیکرون که در بسیاری کشورهای جهان شایع است، در کشورمان مشاهده شد.» پاک‌آیین افزود: «این سه مورد، دو نمونه مربوط به زیرسویه BQ1 و یک مورد مربوط به زیرسویه XBB است.»



تحلیل زیدآبادی درباره برخورد تازه با بدحجابی:

محرومیت اجتماعی، همان گشت ارشاد است



پله؛ اسطوره فوتبال دنیا و برزیل در ۸۲ سالگی در گذشت

پادشاه مستطیل سبز در خط پایان



اعتماد رئیسی به محمدرضا فرزین کار ساز می‌شود؟

چشم‌بازار ارز به تغییرات اقتصادی دولت



## بررسی پیامدهای پی‌گیری اخبار در گفتگو با یک جامعه‌شناس

### طاقة شنیدن خبر

#### یادداشت‌ها

**رسایی، کیانیان و بازگشت به یک سنت درخشان**  
علی نامجو روزنامه‌نگار

حضور اشخاصی از جریان موافق یا مخالف تفکر ما در گفت‌وگوهای رادیویی و تلویزیونی و به‌طور کلی هر نوع گفت‌وگویی و دفاع از یا حمله به تفکر...

**آقای ضرغامی لطفاً تأمل کنید!**  
مجید ابهری آسیب‌شناس

جناب ضرغامی کارنامه جنابعلی در صدا و سیما علی‌رغم نقاط ضعف متعدد جوانب مثبت و درخشانی را نیز دارا می‌باشند...

**یک فاجعه زیست‌محیطی و لزوم حساسیت ما**  
محسن افلاکی فعال اجتماعی

در سال ۱۳۸۲ پنج کشور ساحلی کاسپین شامل ایران، روسیه، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، معاهده کنواسیون منطقه‌ای...

**«شفقت» را به خودمان هدیه دهیم**  
مجید بهره‌ور مترجم و روان‌درمانگر

گستردن عشق و شفقت به روی دیگران کار آسانی نیست، افزون بر این، احساس عشق و شفقت به خودمان چالشی دشوارتر از آن است.

### کوروش محمدی: تحلیل بخوانید، نه خبر!

### نگاهی به عملکرد مدیران بانک مرکزی در سه دهه اخیر

#### مسئولانی برای حفظ منزلت دلار

همکاری کند. سپس مهندساب مظاهری و محمود بهمنی به ترتیب بر صندلی ریاست بانک مرکزی نشستند تا دولت آقای احمدی‌نژاد رکورددار تغییر در مقام پولی شود در دولت حسن روحانی، ابتدا ولی‌اله سیف و سپس عبدالناصر همتی به ریاست بانک مرکزی رسیدند که البته این تغییر و تحولات ریشه‌های غیراقتصادی هم داشت.

دولت سیزدهم اما رکورددار سریع‌ترین تغییر در ریاست بانک مرکزی از سال ۱۳۶۰ به این سو است؛ نوسانات شدید نرخ ارز سبب شد علی‌رغم تکرارهای شدید و غلیظ، علی صالح‌آبادی، یک هفته مانده به کامل شدن ۱۵ ماه ریاستش بر بانک مرکزی، جای خود را به محمدرضا فرزین، مجری اصلی هفتمین‌دانشن یارانه‌ها در دولت دهم و رئیس بانک ملی در دولت سیزدهم بدهد.

در رقابت‌های انتخاباتی مسال گذشته جمهوری، عبدالناصر همتی، رئیس مستعفی بانک مرکزی در دولت دوم روحانی، به نمایندگی از همه دولت دوازدهم، منتهی می‌شد که می‌خواهد اقتصاد را بخش‌نامه کنترل کند. محسن رضایی که اینک معاون اقتصادی رئیس‌جمهور است، گفته بود: «سال آینده چالش‌ها و ابرچالش‌هایی مثل جمعیت، صندوق‌های بازنشستگی، اترازی بانک‌ها، نقدینگی فقر و بیکاری، گرانی و بدتر شدن فضای کسب و کار را داریم، یعنی اگر می‌خواهیم فقر و فساد و تبعیض از بین بروند باید به عنوان اولین کار از تکرار دولت‌های گذشته جلوگیری کنیم... مردم عزیز ایران، همان‌طور که سال ۹۲ آن هزار تومانی را نشان دادیم، نف و والله قسم، اگر دولت‌های گذشته تکرار شود، یک فاجعه بزرگی صورت می‌گیرد. نباید بگذاریم این تکرار شود.»

قاضی‌زاده هاشمی که اکنون معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید است، گفته بود: «ما اگر بتوانیم تورم را کنترل کنیم، به عنوان ام‌المصابن می‌توانیم، ارزش پول ملی را حفظ کنیم، البته مساله بعدی حکمرانی ریال است. متأسفانه در کشور ما مسئولین مربوطه به جای این که مسئول حفاظت پول ملی باشند، مسئول حفاظت از خارجی شده‌اند. حکمرانی پولی متأسفانه در کشور متولی ندارد و آن مسئولیتی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم وظیفه پاسخ‌گوئی دارند، وظایف خود را به گردن دیگران می‌اندازند. متأسفانه رئیس بانک مرکزی به جای این که خودش را مسئول حفظ ریال بداند، بیشتر مسئول حفظ دلار می‌داند.»

علیرضا زاکانی، شهردار فعلی تهران هم گفته بود: «بشان می‌فرمایند ما اقتصاددان هستیم ولی به نظر من باید به ایشان نوبل شیمی بدهند. پول ملی این مملکت را ایشان نابود کرده و صحبت از توزیع ثروت می‌کند در حالی که فقر را توزیع کرده است... در حال مجاری حل نقدینگی، متصل کردن بانک‌ها و اطلاعات را در خدمت نظام مالیاتی قرار دادن است که وظیفه اصلی آقای همتی و وزیر اقتصاد بوده که این کار را انجام ندادند. خیلی‌ها تسهیلات دریافت کرده‌اند، به‌کار بانک هستند و این پول را در جایی دیگر هزینه می‌کنند.» سعید جلیلی عضو کنونی شورای عالی امنیت ملی که از او به عنوان «کابینه‌دار در سایه» هم یاد می‌شود گفته بود: «ما هشت سال به سایه مسائل را دنبال کردیم؟ کشور توانمندی‌های بالا، ظرفیت‌های خوب و جوانان و نخبگان متخصص دارد و نه تنها کشور اداره می‌شود بلکه می‌تواند در چهار سال آینده جهش پیدا کند. دوستان صراحتاً می‌گویند نمی‌شود، نه، شما نمی‌توانید. البته منظره برای همین است. خب شما می‌گویید نمی‌شود، ما می‌گوییم می‌شود.» حالا دولت سیزدهم تجربه بک‌اندلی اداره کشور را دارد و بنابراین می‌تواند بگوید برای اقتصادی که با کاپوس دلار ۵۰ هزار تومانی دست و پنجه نرم می‌کند، چه برنامه‌ای دارد؟ آیا مشکل اقتصادی ایران با بخش‌نامه و سیاست حل و دستور حل می‌شود یا نه؟ تحولات روزهای آینده، پاسخ این پرسش را روشن می‌کند.

احمدزیدآبادی:

### محرومیت از خدمات عمومی همان گشت ارشاد است

**مهدلی:** زرمه ایجاد محرومیت برای برخی از زنانی که با حجاب الزام نشده توسط نظام زاویه دارند و آن را رعایت نمی‌کنند، در روزهای گذشته از سوی افکار عمومی و فضای مجازی با واکنش مواجه شد. احمدزیدآبادی روزنامه‌نگار از جمله این افراد بود که به این موضوع واکنش نشان داد. او در کانال تلگرامی‌اش با اشاره به توییت یک نفر درباره ایجاد یک محرومیت برای یک زن بی‌حجاب نوشت: با خوشحالی توییت کرده است: «خانمی بدون روسری برای خرید وارد مغازه‌ای شد. صاحب مغازه از خانم خواست که حجابش را رعایت کند، خانم اما در جوابش گفت: من نمی‌خواهم، اختیار خودم را دارم. مغازه‌دار هم پاسخ داد، من هم مغازه خودم است. اختیارتش را دارم و دلم نمی‌خواهد به شما جنس بفروشم.»

زیدآبادی نوشت: ظاهراً طرف با این توییت خواسته است «محرومیت اجتماعی» زنان بدون روسری را توجیه کند، اما به علت عدم درکش از امر خصوصی و عمومی، جواز هرج و مرج و زد و خورد اجتماعی را صادر کرده است. پوشش یک شهروند در حدود و نفور عرف، یک امر خصوصی است و حتی اگر پوشش خاصی چیزی به نام مقررات و فرامین دولتی را هم نقض کند، یک شهروند دیگر نمی‌تواند مدعی آن شود. این فعال سیاسی ادامه داد: در مقابل، فرزندگی نوعی از خدمات عمومی است و از همین رو، مغازه‌دار به هیچ‌دلیلی حق گزینش‌گری بین مشتریان خود و اعمال تبعیض علیه آنان ندارد. اگر حق گزینش‌گری و اعمال تبعیض برای یک مغازه‌دار خاص بر اساس نوع پوشش مشتریانش به رسمیت شناخته شود، در آن صورت هر مغازه‌داری از این حق برخوردار می‌شود که بر اساس نوع علاقه و نگاه خود به ظاهر مشتریان، از ارائه خدمات به بسیاری از آنها خودداری کند.

زیدآبادی در ادامه نوشت: برای مثال، اگر قرار باشد یک فروشنده مجاز باشد به یک خانم بدون روسری جنس بفروشد، فروشنده دیگری هم خود را مجاز می‌داند که به یک خانم چادری یا روسری‌دار کالا ارائه ندهد. این موضوع به دیگر مشخصات ظاهری شهروندان نیز قابل تسری است؛ مانند اینکه فروشنده‌ای به مردان بی‌ریش چیزی نفروشد و فروشنده‌ای دیگر به مردان ریش‌دار، فروشنده‌ای به شهروندان چاق کالا ندهد و فروشنده‌ای دیگر به شهروندان لاغر. مغازه‌داری به افراد دماغ‌گنده خدمت ارائه نکند و دیگری به افراد دماغ‌عمل‌کرده و آلی آخرا این روزنامه‌نگار به پیامدهای این نگاه اشاره کرد و نوشت: حال جمع‌آوری را تصور کنید که ارائه‌دهندگان خدمات عمومی با چنین ملاک‌های ظاهری مشتریان خود را گزینش کنند؛ در آن جامعه تشنج و نزاع و زدو خورد، به سرعت برق فراگیر می‌شود و به قول هابز «جنگ همه علیه همه» رخ می‌دهد. زیدآبادی افزود: اینک برخی دستگاه‌های حاکم در صدد برآمدنند تا محرومیت‌های اجتماعی از جمله عدم ارائه خدمات عمومی به مشتریان بدون روسری را از طریق اقداماتی مانند پلمب مراکز خرید، جایگزین گشت‌ارشاد کنند، در حقیقت نظم و انسجام اجتماعی را از راه به جان هم انداختن شهروندان هدف گرفته‌اند. در واقع این روش به قدری خطرناک است که همان گشت ارشاد کثالی عوارض مغرب بسیاری کم‌تری نسبت به این یکی دارد. این نوشته مربوط به یک موضوع اجتماعی است و با نگاه سیاسی نوشته نشده است. بنابراین خروده‌گیران خرد نگیرند که نقض عهد است!

#### یادداشت

### یک فاجعه زیست‌محیطی و لزوم حساسیت ما

**محسن افلاکی** - در سال ۱۳۸۲ پنج کشور ساحلی کاسپین شامل ایران، روسیه، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، معاهده کنواسیون منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریای کاسپین، موسوم به کنواسیون تهران را امضا کردند. پیرو این معاهده، پنج کشور متعهد شدند تا جهت حفاظت و نجات اکوسیستم منحصر به فرد آن و مدیریت اثرات مخرب آلودگی از منابع مختلف انسانی، قدم بردارند. همچنین با احداث مرکز درمانی و تحقیقاتی فک کاسپین در کشور قزاقستان، گام مفید و موثری در حفاظت از این گونه نادر با مشارکت منطقه‌ای انجام شد. اما آنچه این روزها به گوش می‌رسد، خبرهای تلخ و ناگوار است. تورهای ماهی‌گیری آسیب‌شدیدی به این گونه‌های نادر زده که بعضاً با تلاش ناجیان و محافظان فوک‌های کاسپین در مرز ایران این گونه‌های جانوری با ارزش نجات پیدا کرده و شماری هم در این تورها تلف شدند. اما مهم‌ترین خبری که در اخیر این روزها به گوش نرسید، وجود لاشه‌های بی‌شمار این گونه‌های نادر بود که در سواحل قزاقستان و ایران مشاهده شد. اولین خبر تلخ، کشف ۱۴۱ لاشه فوک در سواحل قزاقستان بود که بلافاصله تیم‌های تحقیقاتی کشور مذکور بی‌گیر موضوع شدند. بحث خودکشی دسته‌جمعی که در همان اوایل تحقیقات مطرح شده بود، منتفی اعلام شد. اما گزارش بعدی از تلفات سنگین فوک‌ها این‌بار از دانستان روسیه به گوش رسید. درست در زمانی که این گونه جانوری جهت جفت‌گیری مهاجرت خود را در نیمه‌های آذرماه آغاز می‌کند. با این همه کشف ۲۵۰۰ لاشه هم سبب نشده که روسیه به علت اصلی مرگ آنها اشاره‌ای کند. اظهارات گروه‌های فعال محیط زیست در دانستان نشان می‌دهد که یک هفته از مرگ آنها می‌گذرد ولی لاشه‌ها از وضعیت بدنی مناسبی برخوردار بوده‌اند. نمونه‌برداری‌ها به‌طور گسترده در حال انجام است و طبق برخی اظهار نظر‌ها، سه عامل، بیماری میکروبی، آلودگی محیط دریایی و فعالیت‌های نظامی می‌تواند مسبب این تلفات سنگین باشد. بیست و دوسال پیش هم وجود بیماری «دیسپتیرم تلفاتی» به این گونه‌های نادر وارد کرد و در طی دو فصل ۱۰ هزار فوک را به کام مرگ کشاند. عوامل بیماری‌زای میکروبی پس از درگیر کردن حیوان، باعث ضعف بدنی و بی‌اشتهایی شده و حیوان به اجبار به سمت ساحل می‌آید ولی تلفات اخیر دور از ساحل اتفاق افتاده که باعث تغییر نقطه نظر کارشناسان و فعالان محیط زیست شده است. شرایط کنونی منطقه و مانورهای نظامی متعدد از یک سو، بحران جهانی سوخت قبل از رسیدن فصل سرما که برداشت بی‌رویه سوخت‌های فسیلی در منطقه خزر را شدت بخشیده است، به اضافه آلودگی و وجود تورهای ماهی‌گیری در دریای کاسپین از موارد مطرح بین کارشناسان می‌باشد. این مرگ و میرها و بی‌توجهی به اکوسیستم منطقه کاسپین و این که فوک‌ها در لیست قرمز اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (خطر انقراض) می‌باشند، یعنی زنگ خطر برای این گونه جانوری در منطقه به صدا درآمده است. موضوعی که کشور ما را نیز به جهت گستردگی مرزهای آبی با این مناطق درگیر آن خواهد کرد و نیاز به حساسیت در این مورد خاص بیشتر از قبل احساس می‌شود.

#### یادداشت

### آقای ضرغامی لطفاً تأمل کنید!

**مجید ابهری** - جناب ضرغامی کارنامه جنابعلی در صدا و سیما علی‌رغم نقاط ضعف متعدد جوانب مثبت و درخشانی را نیز دارا می‌باشد که از نظر افراد منطقی و منصف نمی‌تواند پوشیده بماند. براساس کارنامه موجود از شما شنیدن نظرات مختلف و پذیرش انتقادات و پیشنهادات منطقی در زمره نکات مثبت شما در طول مدیریت بر این سازمان بوده؛ بر همین اساس مایل هستم از نگاه یک آسیب‌شناس دلسوز نکاتی را به اطلاع‌تان برسانم. اکنون که بر مسند وزارت میراث فرهنگی و گردشگری قرار گرفتید؛ نخبگان و دلسوزان جامعه امید وافر به ایجاد تحولات اساسی در سازمان متبوع شما دارند. در زمینه توسعه و پیشرفت گردشگری دچار سرف و عقب‌گرد تاریخی نشده‌ایم؛ تا آنجا که آمار ورود گردشگران به سطح نامیدی کننده‌ای رسیده است. حتی در دوران مسابقات جهانی فوتبال در قطر که کم‌ترین فاصله را با ما داشت و در بین کشورهای عربی بهترین رابطه را با ما دارد؛ علی‌رغم تمهیدات و تسهيلات جالب و قابل توجهی اقتصادی نتوانستیم بازداره یک هواپیما مسافر وارد کشور کنیم. بر خلاف نظر برخی از دلوایسپان، همه گردشگران برای فساد و فسق و فحور گردشگری نمی‌کنند چرا که بخش زیادی از این امکانات در کشورهای خودشان موجود است و ضمن این که بسیاری از این گردشگران در کشور خود صاحب جایگاه بالا و قابل توجهی دارند. استعدادها و امکانات طبیعی اقلیمی سیاحتی از کوه‌ها و جنگل‌های کهن‌نظیر گرفته، تا آثار باستانی منحصر به‌فرد و اماکن مقدس زیارتی، قطب‌های مهمی برای جذب بسیاری از افراد هستند. جاذبه‌های جزایر کیش و قشم و منطقه خلیج فارس، غایب‌های طبیعی نظیر علی‌صدر و کتله‌خور که در نوع خود در دنیا منحصر به‌فرد هستند، نیز نتوانستند به‌خاطر ضعف معرفی گردشگری را بسوی خود بپذیرند. غفلت برخی از دست‌اندرکاران مربوطه باعث شد که بعضی از جاذبه‌های ملی ما در اغذیه، لباس‌ها، ابزار آلات و ورزش‌های مختلف توسط بعضی از کشورها مصادره شده و در مجامع جهانی به نام آنها ثبت شود. تاسف‌آورتر از همه اینکه ورزش باستانی ما که در کتب و اسناد تاریخی ایرانی بوده و ریشه در فرهنگ ایرانی دارند، توسط برخی از کشورهای همسایه ربوده شده، و به‌نام آنها ثبت وضبط گردید. گاهی بیاد سخن یکی از قاجاریان در هنگام بخشیدن دریای خزر می‌آیم که گفته بود: «آب شور به چه درد ما می‌خورد بدهید برود.» متأسفانه در عصر ما نیز اینگونه افکار از سوی برخی از دوست‌نمایان غافل، ابراز می‌شود. شاید آن‌ها فراموش کردند برای حفظ و حراست از این خاک مقدس چه جوانان مومن و غیرتمندی جان خود را فدا کرده‌اند. جناب آقای ضرغامی! تاسف‌فبار تر از نکات گفته شده، این است که بخش قابل توجهی از هموطنان مخصوصاً جوانان ما هنوز با جاذبه‌های منحصر به‌فرد وطن خود آشنا نشده و به دنبال دیدار از نقاط و اماکنی هستند که اصلاً با نقاط وطنی ما قابل قیاس نمی‌باشند. حداقل به معرفی جاذبه‌های سیاحتی خود به هموطنان مان حرکت کنیم. گردشگری پزشکی و درمانی با توجه به جایگاه خاص پزشکان حاذق ما در حد حرف و مقاله و همایش باقی مانده است. مستحضر هستید که هر گردشگر می‌تواند به‌طور مستقیم برای آنفرز و غیر مستقیم برای ۱۲ نفر اشتغال‌زایی و کارآفرینی نماید. آیا بهتر نیست بجای اعزام فرزندان مان به کشورهای دیگر برای کار و کارگری، صنعت توریسم را احیا و تقویت کنیم؟ صنایع دستی و سنتی کشور ما به‌خاطر رکود و فقدان مشتری رو به افول رفته و در حال فراموشی و نابودی هستند. حالا که شما در این مسئولیت خطیر و تاریخی قرار گرفته‌اید؛ حداقل برای خودتان هم که ششده اجازة ندهید سوابق اجرایی‌تان در سایه این رکود و کم‌کاری در گردشگری قرار گیرد.